

مروری بر مبانی نظری تحول بنیادین در آموزش و پرورش

فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران:

مجموعه ای از گزاره های مدلل و مدون که به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، در جامعه اسلامی ایران به شکلی جامع، سازوار، به هم پیوسته و مبتنی بر مبانی اساسی معتبر و متناسب با نظام فکری و ارزشی مقبول در جمهوری اسلامی ایران می پردازد تا به مثابه "چهار چوب نظری کلان برای هدایت انواع تربیت و سامان دهی جریان تربیت در جامعه اسلامی ایران" نقش آفرین باشد.

چیستی تربیت:

مفاهیم کلیدی (۱)

□ تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد

۱. حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار ربوبی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد.
۲. حیات طیبه امری صرفاً اخروی نیست که تنها در عالم آخرت و پس از مرگ محقق گردد، بلکه در حقیقت حاصل ارتقا و استعلا حیات طبیعی و متعارف آدمی در همین دنیا، با صبغ الهی بخشیدن به آن است که با پذیرش حاکمیت نظام معیار دینی (مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام) بر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی آدمی و تمام شئون مختلف آن، جلوه ای از آن در همین دنیای فانی و محدود قابل تحقق اند.
۳. تحقق حیات طیبه به شکوفایی فطرت و رشد همه جانبه استعداد های طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات و در نتیجه تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد جامعه در راستای شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه ای صالح بر اساس نظام معیار دینی در مسیر قرب الی الله منجر می شود.
۴. حیات طیبه امری دارای مراتب و درجات است که نه تنها دستیابی به آن مقصود هر انسان دیندار در دنیا است، بلکه وصول به برخی مراتب مقدماتی آن - نظیر تأمین متعادل نیاز های زیستی و طبیعی افراد جامعه یا رعایت بعضی از هنجارها و ارزش های اخلاقی مورد قبول عموم عقلا - هم مقبول و بلکه مورد تأکید فراوان همه ادیان الهی است و هم مورد درخواست هر شخص دارای عقل سلیم است. لذا می توان و باید دعوت همه مردم به سوی این نوع زندگانی شایسته و تدبیر و تلاش برای تحقق حیات طیبه را از این مراتب مقدماتی آغاز نمود.
۵. در نگرش اسلامی حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی اما دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که هر دو اصالت دارند و لذا نمی توان در مقام تلاش جهت تحقق حیات طیبه، هیچ یک از آن دو را به دیگری فرو کاست یا یکی را بر دیگری به طور مطلق ترجیح داد.
۶. حیات طیبه، با عنایت به جنبه های مختلف زندگی انسان و استقلال نسبی آنها از یکدیگر، دربردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می سازند و نباید از توجه مناسب به هیچ یک از این شئون غافل شد.
۷. به طور کلی می توان شئون گوناگون حیات طیبه را - که به نظر می رسد همه وجوه زندگانی شایسته آدمی در ابعاد فردی و اجتماعی را براساس نظام معیار دینی در برگیرند - به این شرح برشمرد: شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ شأن بدنی و زیستی؛ شأن اجتماعی و سیاسی؛ شأن علمی و فناوری؛ شأن اقتصادی و حرفه ای و شأن هنری و زیبایی شناختی؛ که هر کدام جایگاه مهمی در حیات طیبه - البته با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه - دارند (اما نکته مهم آن است که این شئون مختلف کمابیش، هم در تحقق بعد فردی حیات طیبه و هم در دستیابی به بعد اجتماعی این نوع زندگانی، جلوه گر می شوند).

۸. حیات طیبیه در نگرش اسلامی تنها در بُعد فردی زندگی و رابطه فردی و شخصی انسان با خداوند و نظام معیار ربوبی خلاصه نمی‌شود، بلکه بُعد دیگر مهم حیات طیبیه، بعد اجتماعی این نوع زندگانی است که در مفهوم «جامعه صالح» تجلی می‌یابد.

۹. تحقق همه ابعاد و مراتب حیات طیبیه، بر وجود آمادگی در افراد جامعه برای انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی و کسب شایستگی‌های فردی و جمعی لازم جهت درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران براین مبنا، استوار است.

۱۰. زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی متربیان، مهمترین نقش را در این گونه آماده‌سازی و آماده شدن فرد و جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبیه در همه مراتب و ابعاد برعهده دارد.

□ انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی

۱. مقصود از این نظام، مجموعه ای منسجم از مبانی و ارزش‌های برگرفته از منابع معتبر دین حق (= اسلام) و یا متناسب با آنهاست که پذیرش این مجموعه و رعایت عملی آن در همه ابعاد و شئون زندگی وجه تمایز اساسی حیات طیبیه از زندگی رایج غیردینی (= سکولار) محسوب می‌شود.

۲. نظام معیار اسلامی، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌ها ناظر به همه ابعاد زندگی انسان است که نه تنها همه آنها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش برخی از ارزش‌های اخلاقی و اساسی این نظام معیاردینی متوقف به شناخت و انتخاب دین حق نیز نیست (زیرا عقل سالم و فطرت الهی فعال در وجود هر انسان نسبت به این گونه ارزش‌ها به طور مستقل حکم می‌کند، هرچند دین هم آن‌ها را تأیید می‌کند).

۳. نظام معیار اسلامی به لحاظ فردی در مصادیق انسان کامل (و در نمونه اعلی آن یعنی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین(ع)) تجلی عینی و عملی می‌یابد و در بعد اجتماعی، نیز جامعه صالح اسلامی با محوریت و رهبری نظام امامت، مظهر تحقق نظام معیار اسلامی خواهد بود.

۴. پذیرش عقائد و تعهد عملی نسبت به نظام معیار اسلامی - ارزش‌های برآمده از دین حق (= اسلام) و یا سازگار با آنها - که شرط اصلی تحقق حیات طیبیه در همه ابعاد فردی و اجتماعی است - باید با توجه به توانایی شناخت، عقل ورزی و اختیار انسان، به شکل آگاهانه و اختیاری صورت پذیرد.

۵. انتخاب و التزام نظام معیار اسلامی، سطوح متفاوتی از اسلام و ایمان ظاهری و تسلیم عملی نسبت به ظواهر شرعی (نداشتن مخالفت ظاهری با ضوابط فقهی) تا ایمان و اعتقاد قلبی و تصمیم نسبت به رعایت احکام قطعی (واجبات و محرمات) و در مرتبه بالاتر اطمینان و یقین قلبی و تعهد به مراعات کامل همه حدود و ارزش‌های نظام معیار دینی در زندگی روزمره (از مراعات موارد شبهه ناک، و احتیاط در این امور تا تقید به انجام مستحبات و ترک مکروهات در اعمال فردی و التزام و تلاش برای حاکمیت معیارهای دینی بر همه اعمال و شئون اجتماعی) را در برمی‌گیرد.

۶. انطباق با نظام معیار اسلامی: سازگاری همه ابعاد زندگی با ارزش‌های نظام معیار اسلامی که در تأسی و پیروی و اطاعت از انسان کامل (پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و جانشینان برحق ایشان) تجلی می‌یابد و از آن در ادبیات دینی با تعبیر "تقوا" یاد می‌شود و دارای درجاتی متفاوت است؛ برحسب میزان و حدود انطباق اعمال و اخلاق زندگی با ارزش‌های نظام معیاردینی و نیز کیفیت این سازگاری به لحاظ نوع نیت و انگیزه آن (جلب رضای الهی یا کسب منافع دنیوی - اخروی موافقت با نظام معیار دینی و یا پرهیز از عواقب دنیوی - اخروی مخالفت با آن).

□ تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش

۱. انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از عواطف و تمایلات و استعدادهای طبیعی و تأثیرپذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، در اثر نوع استفاده از عقل خویش و چگونگی درک موقعیت‌های مختلف (معرفت) و نحوه مواجهه

- اختیاری با آن ها (باور، گرایش، اراده و عمل فردی و جمعی)، به تدریج واقعیتی مشخص و سیال (پویا) در دو بُعد فردی و جمعی می‌یابد که از آن با نام "هویت" ("شاکله" در تعبیر قرآنی) یاد می‌شود.
۲. هویت به‌طور کلی برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه‌ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آنها به تدریج در درون خود فرد شکل می‌گیرد و به همین منوال متحول می‌گردد.
۳. هویت متمایز هر انسان در نهایت، محصول اکتساب برخی صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها، توسط خود اوست و از این‌رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه بیش از هر چیز، حاصل تلاش و توفیق شخص – در پرتو اراده و عنایات الهی و البته تا حدودی متأثر از شرایط طبیعی زندگی و نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع – است. هر چند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که روند تکوین و تحول هویت را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط طبیعی و اجتماعی در آورد.
۴. تکوین و تعالی پیوسته هویت: «هویت» انسان واقعیتی تدریجی، پویا و ناتمام است، به طوری که – در عین متأثر شدن از عوامل ماوراء طبیعی و طبیعی بیرون از اختیار (علل و زمینه‌های خارج از انتخاب آگاهانه خود فرد) – با حضور اختیاری اش در موقعیت‌های گوناگون (و متأثر از نحوه درک، و تغییر آن‌ها) در طی زندگی این دنیا به تکوین و تحول می‌رسد و در حیات اخروی تداوم می‌یابد.
۵. تحقق و تحول هویت فردی و جمعی بیش از هر چیز به جریان منحصربه‌فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و نحوه خردورزی او و در نتیجه معرفت، باور، اراده و اعمال (فردی و جمعی) اختیاری خود او وابسته است، همچنان که تکوین و تحول هویت فردی و جمعی نیز بر اعمال و کوشش‌های افراد جامعه در آینده تأثیرات پیش‌رونده خواهد داشت. لذا هر شخص می‌تواند هویت فردی و جمعی خویش را چنان که می‌خواهد شکل دهد و آن را به طور مداوم متحول سازد.
۶. تغییر و تحول هویت اگر در جهت غایت حقیقی زندگی انسان (قرب الی الله) و براساس نظام معیار متناسب با این غایت انجام شود با شکوفایی فطرت الهی و رشد همه جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و امیال انسان و کسب شایستگی‌های مورد نیاز برای تحقق حیات طیبیه (در بُعد فردی و اجتماعی) ملزم خواهد بود. در این صورت می‌توان از تعبیر «تکوین و تعالی پیوسته هویت براساس نظام معیار اسلامی» برای چنین روندی بهره گرفت.
۷. مؤلفه‌های هویت: هویت آدمی می‌تواند و باید (در وجه مطلوب) وجهی ترکیبی داشته باشد و براساس خردورزی اش به برآیندی از شناخت و بینش، باور و گرایش، میل و کشش، اراده و انتخاب، عمل صالح فردی و جمعی مبتنی بر این مبادی و تداوم آن در گذر زمان برسد که به شکل‌گیری صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها (شایستگی‌های فردی و جمعی لازم برای درک و بهبود مداوم موقعیت) و در نهایت به تکوین و تعالی هویت فردی و جمعی به صورتی یکپارچه و براساس نظام معیار ربوبی بینجامد.
۸. هر چند می‌توان با تسامح از وجوه معرفتی، عاطفی، ارادی و عملی هویت سخن گفت، اما هرگز نباید با توجه به نقش محوری خردورزی در همه این وجوه و درهم تنیدگی آنها با یکدیگر (در وضع مطلوب) مبنای عقلانیت را به یکی از این وجوه اختصاص داد یا تمامی هویت را به یکی از این وجوه فروکاست.
۹. نباید هویت را صرفاً به جنبه فردی درک و احساس و نگرش و تجربه شخصی فرد از خویش (ناظر به مفاهیمی روانشناختی نظیر خودپنداری) یا امری وابسته به اجتماع و کاملاً سیال و نسبی (صرفاً متأثر از شرایط محیط) تقلیل دهیم و واقعیت وجودی هویت انسان (ناشی از ترکیب معرفت، باور، میل و عمل اختیاری فردی و جمعی او) را فراموش کنیم که مایه تشخیص عینی (نه ذهنی یا احساسی) هر فرد از دیگران و نیز وجه اشتراک واقعی وجود هر فرد با هستی دیگران است.

۱۰. ابعاد و لایه‌های هویت: به طور کلی هویت آدمی به لحاظ تأثیرپذیری از حضور فرد در موقعیت‌های مختلف و عمل فردی و جمعی هر انسان، شامل دو بعد یا جنبه فردی و جمعی می‌شود:
- الف- جنبه فردی هویت به وجه شخصی و منحصر به فرد وجود هر انسان اشاره دارد. ب- وجه جمعی هویت ناظر به وجوه مشترک شخصیت فرد با دیگران است که شامل لایه‌های متعددی (نظیر هویت انسانی، هویت دینی/مذهبی، ملی، قومی، جنسیتی، حرفه‌ای و خانوادگی) می‌شود.
۱۱. همه ابعاد و لایه‌های هویت باید به طور ترکیبی و یکپارچه و متعادل براساس نظام معیار اسلامی تکوین و تحول یابند.

□ شکل‌گیری جامعه صالح اسلامی و پیشرفت مداوم آن

۱. حیات طیبیه در نگرش اسلامی تنها در بُعد فردی زندگی و رابطه فردی و شخصی انسان با خداوند و نظام معیار ربوبی خلاصه نمی‌شود بلکه بُعد دیگر مهم حیات طیبیه، بعد اجتماعی این نوع زندگانی است که در مفهوم «جامعه صالح» تجلی می‌یابد.
۲. جامعه صالح در نگرش اسلامی، اجتماعی است که بر روی نمودن به خدا در حالت تسلیم و رضا استوار می‌شود نه بر روابط نژادی، خویشاوندی یا قبیله‌ای و نه روابط انتفاعی و ستمگرانه یا روابط قراردادی، که رویکرد استخدای دارد و بر منفعت‌های یک طرف یا دو طرف قرارداد متکی است.
۳. در جامعه صالح که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبیه به شمار می‌آید، «پیوندها» خشونت‌آمیز (ناشی از ترس و تهدید و ارباب) یا انتفاعی (ناشی از سودگرایی و استثمار یا استخدام دیگران) نیست بلکه ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا (پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی) معطوف است. در چنین جامعه‌ای روابط ظالمانه و تعصبات نژادپرستانه طرد می‌شود و بر توحید ربوبی که اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی است تأکید می‌گردد.
۴. شکل‌گیری و پیشرفت مداوم: پذیرش توحید ربوبی، قبول ولایت خداوند و اولیای خدا و تن‌دادن به سرپرستی طاغوت (حاکمیت غیر الهی) از مبادی تشکیل جامعه صالح‌اند و منتهای آن نیز وصول به قرب الی الله (تحقق حیات طیبیه) است، هرچند دستیابی به رفاه و قدرت (نه همچون هدف اصلی بلکه به منزله پیامدی مهم) در جامعه صالح، ممکن و ضروری است.
۵. می‌توان «حقیقت‌مداری»، «عقل‌گرایی»، «عدالت‌محوری»، «قانونمندی»، «کرامت انسان»، «مسئولیت‌پذیری»، «مهرورزی» و «رعایت حقوق و اخلاق انسانی» را از مؤلفه‌های مهم جامعه صالح دانست. بی‌شک التزام همیشگی افراد جامعه به این مؤلفه‌ها در ساختارهای اجتماعی و روابط جمعی و اعمال ارتباطی، زمینه پیشرفت مداوم جامعه صالح را فراهم می‌آورد.
۶. مبنای اصلی تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن را باید «انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی در عرصه زندگی اجتماعی و روابط جمعی میان انسان‌ها» دانست.

□ درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران

۱. منظور از موقعیت، نسبت مشخص، پویا، قابل درک و تغییری (توسط خود و دیگران) است که حاصل تعامل پیوسته انسان- به منزل عنصری آگاه، آزاد و دارای اختیار- با خداوند و گستره‌ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است (خدایی که حقیقت مطلق و برترین حقایق عالم، رب یگانه انسان و جهان و واقعیت اصیل محیط بر همه موجودات و موقعیت‌هاست؛ هرچند انسان از او غافل باشد یا به انکار این حقیقت بپردازد).

۲. درک و بهبود مداوم موقعیت: تعامل فعال انسان با عناصر گوناگون موقعیت از سویی موجب تغییر مداوم مرتبه وجودی آدمی و در نتیجه تکوین و تحول پیوسته هویت فرد می‌شود و از دیگر سو، به خلق مداوم موقعیت‌های جدید می‌انجامد.

۳. درک موقعیت خود و دیگران (با تکیه بر نیروی عقل انسان و اکتساب انواع علوم و معارف) و تغییر آن با عمل فردی و جمعی می‌تواند- با توجه به ویژگی آزادی و اراده انسان- به طور صحیح یا نادرست انجام شود و در جهت صعود یا سقوط آدمی باشد.

۴. اگر این تعامل با موقعیت به صورت شایسته انجام پذیرد موجب تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی انسان، متناسب با غایت حقیقی زندگی - قرب الی الله - خواهد شد. در این صورت باید از «درک (درست) موقعیت خویش و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن» سخن گفت که مستلزم تحقق سه امر است:

- معرفت خود و اعتماد به نفس (به منزله شناسنده و اصلاح‌کننده موقعیت)
- معرفت و باور به خداوند (حقیقت برتر فرا موقعیت)
- کشف عناصر موقعیت و برقراری نسبت بین آنها با خداوند متعال (مبدأ و مقصد هستی)

۵. در عین حال، امکان دارد که انسان موقعیت واقعی خود و دیگران (نسبت با خداوند و عناصر مختلف هستی در محضر حق تعالی) را به درستی درک نکند، به لوازم این درک ملتزم نباشد یا در تغییر مناسب آن (متناسب با غایت حقیقی زندگی) تلاش شایسته به عمل نیاورد. بدیهی است در این فرض هویت انسان نیز به شکلی ناموزون و از هم گسیخته شکل خواهد گرفت و در جهت سقوط و دوری از غایت حقیقی زندگی متحول خواهد شد.

مفاهیم کلیدی (۲)

□ فرآیند (حرکتی یکپارچه و تعاملی، مداوم و هماهنگ)

۱. مهمترین مفهوم ناظر به بیان ماهیت تربیت را، با عنایت به ضرورت مداوم آدمی در طی حیات و تأثیرپذیری این نوع ضرورت از شرایط اجتماعی، می‌توان مفهوم فرایند دانست.
۲. فرایند ناظر به عمل اجتماعی مستمر، تدریجی، هدفمند (معطوف به هدایت افراد جامعه)، یکپارچه (دارای انسجام و سازواری درونی)، پویا و انعطاف‌پذیر است، که باید متناسب با مراحل تحول وجودی افراد (مخاطب و موضوع این عمل هدفمند) طراحی شود و توسط عوامل گوناگون، در قالب انواع مختلف، با پشتیبانی ارکان زندگی اجتماعی و حتی الامکان به صورت هماهنگ با دیگر عوامل اجتماعی مؤثر، صورت پذیرد.

□ تعامل

۱. فرایند تربیت (عمل زمینه‌ساز تکوین و تحول اختیاری هویت انسان) را باید تعاملی بین دو قطب فعال- مربیان و متریبان- به شمار آورد.
۲. در این فرآیند، علاوه بر ایجاد مقتضیات و برداشتن موانع (امر ضروری مورد تأکید مربیان)، لازم است حضور فعال متریبان را در این حرکت و کوشش اختیاری ایشان برای استفاده مناسب از این زمینه‌سازی مورد ملاحظه قرار داد، که این امر عمل دوسویه متریبان و مربیان را برای موفقیت فرایند تربیت ایجاب می‌نماید.
۳. منظور از تعامل در این فرایند هرگز نوعی رابطه افقی و هم تراز بین دو سوی این فرایند نیست؛ بلکه در نگاه اسلامی، مربیان با متریبان از نظر تحقق (بالفعل) شایستگی‌های مورد نظر و نوع تلاش جهت تمهید مقدمات اکتساب آنها، در یک سطح قرار ندارند.
۴. گام نخست و محوری در این فرایند را مربیان با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متریبان و رفع موانع آن بر می‌دارند.

۵. با عنایت به خصوصیت اراده و اختیار در آدمی، مربیان در این فرایند و وصول آن به نتایج مورد نظر، فعال ما یشاء نیستند، بلکه گام های ضروری و محوری دیگری در این فرایند دوسویه، باید توسط مربیان برداشته شود.
۶. البته سطح وچگونگی این "تعامل ناهم تراز"، با توجه به میزان رشد و توانایی مربیان و نوع تربیت، متفاوت خواهد بود ولی به طور کلی «جهت گیری اساسی تربیت اسلامی در واقع حرکتی پویا و تدریجی است که مربیان را از وابستگی به سوی استقلال یابی ارتقا می بخشد».

■ زمینه سازی (ایجاد مقتضیات و رفع و دفع موانع)

۱. طراحی و اجرای مجموعه ای از تدابیر و اعمال هماهنگ، سنجیده و عمدی، از سوی مربیان، در قالب ایجاد مقتضیات و رفع و دفع موانع تکوین و تحول شایسته هویت مربیان را، با توجه به لزوم حرکت اختیاری و آگاهانه مربیان، باید تنها نوعی تمهید مقدمات مناسب برای این حرکت در نظر گرفت که از سوی مربیان و متولیان فرایند تربیت، به منزله زمینه لازم (و نه شرط لازم و کافی) تشخیص داده شده اند. لذا، باید زمینه سازی را دیگر ویژگی اصلی فرایند تربیت به شمار آورد.
۲. فراهم نمودن شرایط مورد نیاز (ایجاد مقتضیات و علل و عوامل عددی) برای حرکت اختیاری و آگاهانه فرد و جامعه به سوی هدف مطلوب، جنبه ایجابی زمینه سازی است؛ چه اینکه زمینه سازی در بُعد سلبی نیز معطوف به رفع یا دفع موانع بیرونی و درونی این حرکت آگاهانه و اختیاری است.
۳. لازم است این گونه زمینه سازی در هر دو جنبه ایجابی و سلبی به صورتی باشد که با اصل وجود آزادی تکوینی انسان و لزوم تحقق اختیار او در اعمال و حرکات خویش منافات پیدا نکند.

■ هدایت (جهت دهی حرکت آگاهانه و اختیاری به سوی کمال)

۱. جهت دهی حرکت آگاهانه و اختیاری افراد جامعه است در مسیر دستیابی به هر نوع کمال شایسته ای که بتواند در راستای غایت زندگی انسان (قرب الی الله) و مراتب مختلف آن قرار گیرد.
۲. در نگرش اسلامی هدایت دارای دو وجه ارائه طریق (راهنمایی مقصد حرکت و نشان دادن طریق رسیدن به آن مقصد) و رساندن به مطلوب (کمک برای حرکت آگاهانه و اختیاری در راه رسیدن به مقصد) است.
۳. فلسفه توجه به انسان کامل (پیامبر(ص) و امامان معصوم (ع)) و لزوم قبول ولایت و تأسی به ایشان، تحقق کامل این دو وجه (ارائه طریق و رساندن به مطلوب) در امر تربیت آدمی است. بنابراین در امر هدایت مربیان توسط مربیان نیز می باید این هر دو جنبه مورد ملاحظه قرار گیرد.

■ مربیان

افراد نسبتاً رشد یافته، دلسوز و خیرخواه که به لحاظ کسب شایستگی های فردی و جمعی و تحقق مراتب قابل توجهی از حیات طیبیه در وجود خویش، مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه سازی برای رشد و تحول وجودی افراد دیگر را در راستای شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح بر عهده گرفته اند.

■ مربیان

افرادی که مخاطبان اصلی فرایند تعاملی تربیت اند و از استعداد و توانایی بالقوه برای حرکت آگاهانه و اختیاری به سوی مراتب کمال برخوردارند، ولی در حال حاضر شایستگی های لازم را جهت درک و بهبود موقعیت خود و دیگران ندارند، لذا به راهنمایی و مساعدت دیگران در این زمینه و در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش نیازمندند.

■ آماده شدن (برای تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد)

۱. تحقق همه ابعاد و مراتب حیات طیبیه، بر وجود آمادگی در افراد جامعه برای انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی و کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران بر این مبنا، استوار است.

۲. زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی متربیان، مهمترین نقش را در این گونه آماده سازی و آماده شدن فرد و جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبیه در همه مراتب و ابعاد برعهده دارد.

❑ کسب شایستگی های لازم (برای درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران)

۱. منظور از شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت (در ابعاد فردی و جمعی) است، که متربیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن براساس نظام معیار اسلامی، باید این گونه شایستگی ها را «کسب» کنند.

۲. مفهوم «کسب شایستگی»، ناظر به عمل آگاهانه و اختیاری متربیان طی فرایند مستمر تربیت است که ایشان در زمینه-های معرفتی، انگیزشی، ارادی و عملی فراهم شده از سوی مربیان برای تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی خویش در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح انجام می‌دهند.

۳. روند کسب شایستگی‌های فردی و جمعی در فرایند تربیت دارای این ویژگی هاست:

- موقعیت محور (شکل‌گیری تحت تأثیر موقعیت؛ و در تعامل با عناصر موقعیت البته برای درک و اصلاح مداوم آن براساس نظام معیار و نه صرفاً سازگاری با آن به هر شکل)
- جامع و ترکیبی (پرهیز از فروکاستن آن به حوزه دانش محض، گرایش، میل، اراده، عمل یا مهارت های عملی صرف و اجتناب از مواجه تجزیه نگر با این وجوه)
- تربی محور (برخلاف زمینه‌سازی که نقش اصلی در آن برعهده مربی است)
- مداوم (توجه به روند مستمر تکوین و تعالی هویت و شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح)
- آگاهانه و ارادی (متناسب با سطح رشد و آمادگی متربیان)
- تکیه برنظام معیار اسلامی

۴. شایستگی‌های پایه: آن دسته از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها هستند که متربیان باید آنها را برای وصول به مرتبه‌ای لازم یا شایسته از آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبیه کسب کنند.

۵. شایستگی‌های ویژه: آن گروه از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌هاست که در سطحی بالاتر از سطح مورد انتظار از آمادگی همگان جهت تحقق حیات طیبیه است و افراد برحسب علاقه و استعداد فعلیت یافته خود و نیازهای خاص جامعه صالح آنها را کسب می‌کنند.

تعریف تربیت:

«فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت متربیان، بطور یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه‌ی ابعاد»

ویژگی های تعریف

- ❑ تکیه بر نظام معیار اسلامی و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری آن
- ❑ بهره مندی از مفاهیم قرآنی (هدایت، هویت-شاکله-، حیات طیبیه، فطرت و...)
- ❑ تاکید برتحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد به عنوان مصداق قرب الی الله
- ❑ توجه به عنصر آزادی و اختیار متربیان
- ❑ توجه به تعاملی بودن تربیت در عین نقش محوری مربیان
- ❑ توجه محوری به هویت و تکوین و تعالی پیوسته آن توسط خود انسان (با کمک جامعه)
- ❑ توجه به شکوفایی فطرت همسو با رشد همه جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات
- ❑ توجه به نقش خاص جریان تربیت در جهت ایجاد آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد

- ❑ تاکید بر حیث اجتماعی تربیت و نقش عوامل سهیم و موثر و ارکان اجتماعی در آن
- ❑ توجه به چالش‌های فعلی و تحولات آینده (کم توجهی به خانواده، سکولاریسم، بحران هویت، نقش رسانه و...)

چرایی تربیت:

- ❑ غایت (مشترک): تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد
- ❑ نتیجه (اختصاصی): آماده شدن متریبان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد
- ❑ هدف کلی: تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان در راستای شکل‌گیری و اعتلای جامعه صالح بر اساس نظام معیار اسلامی
- ❑ اهداف: کسب شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و بهبود مداوم آن

چگونگی تربیت:

اصول عام تربیت:

- | | |
|--|---|
| ❑ همه جانبه‌نگری و اعتدال | ❑ ارتباط با خداوند و تکیه بر تدابیر ربوبی |
| ❑ عدالت تربیتی | ❑ اولویت تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی |
| ❑ پاسخگویی و نظارت | ❑ عقل‌ورزی |
| ❑ تعامل همه جانبه | ❑ تدریج و تعالی مرتبتی |
| ❑ وحدت‌گرایی ضمن پذیرش کثرت | ❑ انطباق با نظام معیار اسلامی |
| ❑ مشارکت و هماهنگی | ❑ حفظ و ارتقای کرامت |
| ❑ آینده‌نگری | ❑ سندیت و مرجعیت مربیان |
| ❑ توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی | ❑ حفظ و ارتقای آزادی متریبان |
| ❑ تقدم مصالح تربیتی | ❑ انعطاف‌پذیری ضمن حفظ اصول |

انواع تربیت:

الف- با توجه به حیثیت‌ها یا شئون حیات آدمی

حیات طیبه اگرچه مفهومی یکپارچه و کلی است، اما دربردارنده شئون و جنبه‌های متعددی است که در ارتباط و تعامل با همدیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌سازند. از آنجا که این شئون استقلال نسبی دارند، باید علاوه بر تعیین اهداف و انتظاراتی مشخص (وضعیت‌های مطلوب) برای هر یک از آنها، زمینه‌های مناسب تحقق آنها را نیز با عنایت به خصوصیات همین جنبه‌ها فراهم کرد. بنابراین تربیت می‌تواند متناسب با این شئون به انواع ذیل تقسیم گردد:

- تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه؛
- تربیت زیستی و بدنی؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن زیستی و بدنی حیات طیبه؛
- تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اجتماعی و سیاسی حیات طیبه؛
- تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه‌ای حیات طیبه؛
- تربیت علمی و فناوری؛ ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن علمی و فناورانه حیات طیبه؛

• تربیت زیبایی شناختی و هنری؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شأن زیبایی شناختی و هنری حیات طیبیه؛

شایان ذکر اینکه تربیت در همه ساحت‌های یاد شده، معطوف به تکوین و تعالی هویت متربیان به‌طور یکپارچه -با توجه به همه عناصر اساسی هویت (معرفت، باور، میل، اراده، عمل و تکرار آن)- و در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن است که با درک موقعیت خود و دیگران و عمل صالح فردی و جمعی برای بهبود پیوسته آن - بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی- تحقق می‌یابد.

لذا متربیان باید در همه ساحت‌ها، مجموعه‌ای از شایستگی‌های فردی و جمعی لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی را کسب نمایند که به‌طور ترکیبی و یکپارچه، مشتمل بر همه عناصر اساسی هویت و در راستای همه مؤلفه های جامعه صالح باشند. همچنین، تدابیر و اقدامات تربیتی در ساحت‌های گوناگون، ضمن تمایز نسبی، باید با هم مرتبط باشند و با محوریت نظام معیار اسلامی (به لحاظ نقش محوری انتخاب این نظام و تعهد عملی نسبت به آن در تحقق حیات طیبیه) در قالب مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ نمایان شوند.

ب- با توجه به میزان و نحوه شمول

به نظر می‌رسد می‌توان و باید جریان تربیت را با توجه به میزان شمول آن نسبت به افراد جامعه، به دو نوع اساسی تربیت عمومی و تربیت تخصصی تقسیم کرد:

تربیت عمومی: بخشی از فرایند تربیت است که در جهت تکوین و تعالی مداوم هویت متربیان با تأکید بر وجوه مشترک، هویت، ضمن ملاحظه ویژگی‌های فردی و مشترک ایشان، انجام می‌شود تا متربیان مرتبه‌ای از آمادگی را (برای تحقق حیات طیبیه در ابعاد فردی و اجتماعی) به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

تربیت تخصصی: بخشی از فرایند تربیت است که در راستای تکوین و تعالی پیوسته وجوه اختصاصی هویت متربیان بر بنیاد تکوین وجوه مشترک هویت ایشان انجام می‌گردد تا متربیان مرتبه‌ای از آمادگی را (برای تحقق مراتب حیات طیبیه در ابعاد مختلف) به دست آورند که در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی، وصول به آن مرتبه از آمادگی، تنها برای بخشی از افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

البته تقسیم فرایند تربیت به دو نوع عمومی و تخصصی ضرورتی عقلانی به شمار می‌آید. اما به دلیل نیاز جامعه به هر دو نوع تربیت عمومی و تخصصی و نظر به نقش مهمی که هر یک از آنها در جامعه دارند، نباید تربیت عمومی و تربیت تخصصی را رقیب و جایگزین یکدیگر تلقی نمائیم و یا تربیت عمومی را صرفاً مقدمه و طریقی برای ورود به تربیت تخصصی به حساب آوریم (به گونه ای که تربیت عمومی به خودی خود موضوعیت و ارزشی نداشته باشد و تنها زمینه و مقدمه‌ای برای تربیت تخصصی محسوب گردد، هرچند در تربیت عمومی-به ویژه در مرحله اخیر آن- می‌توان و باید تمهیدات ورود به تربیت تخصصی را فراهم نمود)؛ بلکه لازم است این دو

نوع تربیت را دو بخش مکمل از یک جریان بدانیم که هر یک از آنها اهمیت خاص و کارکرد مستقلی در بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی دارند، ولی با این وجود باید هماهنگ و در راستای هم باشند تا هم لایه‌های مشترک و اختصاصی هویت متربیان به صورتی متوازن رشد و تعالی یابند و هم جامع صالح با افرادی هویت یافته و مؤلفه ها، روابط و ساختارهایی اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی شکل گیرد. لذا لازم است هم تربیت عمومی و هم تربیت تخصصی متناسب با نقش و جایگاه ویژه خود مورد توجه و پشتیبانی قرار گیرند و در عین حال بین آنها رابطه معناداری برقرار گردد.

ج- با توجه به نحوه حضور متربیان

فرایند تربیت با توجه به نحوه حضور متربیان در آن، به دو نوع زیر قابل تقسیم است:

تربیت الزامی: بخشی از فرایند تربیت است که متربیان باید بر حسب ضوابط قانونی در آن حضور یابند.

تربیت اختیاری: بخشی از فرایند تربیت است که شرکت متربیان در آن داوطلبانه است.

البته نه تنها باید دو نوع تربیت الزامی و اختیاری را حتی الامکان به طور هم جهت و مکمل یکدیگر ساماندهی کرد، بلکه می توان با تمهیدات مناسب در تربیت الزامی، فضا و فعالیت های تربیتی را چنان جذاب نمود که متربیان نه با انگیزه پیروی از الزام بیرونی (قانونی) و برای فرار از مجازات تخلف، بلکه به منظور نیل به مصالح و فوائد شخصی (مترتب بر تربیت الزامی) با شوق و نشاط و بدون احساس تکلیف در این نوع تربیت حضور یابند. علاوه بر اینکه با تعبیه برخی فعالیت های تربیتی اختیاری و داوطلبانه (به ویژه همراه با رشد متربیان و رسیدن ایشان به مرحله نوجوانی و جوانی) در برنامه نظام مند مؤسسات تربیتی، در هم تنیدن تربیت الزامی و تربیت اختیاری نیز امری امکان پذیر است (یعنی ساماندهی نوعی از تربیت الزامی که متربیان در عین الزام نسبت به حضور در آن بتوانند در برخی برنامه ها آزادانه و به طور اختیاری یا انتخابی - برحسب علاقه و استعداد خویش یا بر اساس ترجیح والدین - شرکت جویند).

د- با توجه به نوع ساماندهی و اعتبار قانونی

می توان فرایند تربیت را بر اساس نوع ساماندهی (ناظر به مؤلفه هایی مانند مرجع تعیین اهداف، انعطاف پذیری، تمرکز تصمیم گیری، زمان بندی و مکان) و اعتبار قانونی، به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم کرد؛ به نظر می رسد تعاریف ذیل برای تربیت رسمی و غیررسمی مناسب به نظر می رسند:

تربیت رسمی: بخشی از فرایند تربیت است که به شکل قانونی، ساماندهی شده (دارای مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین) - ضمن حفظ انعطاف پذیری (برحسب خصوصیات متربیان) - در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طویه در ابعاد مختلف، متناسب با نیازهای متنوع جامعه، طراحی و اجرا شده و پس از کسب شایستگی های لازم (جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی) به اعطای مدرک معتبر (گواهی نامه ناظر به موفقیت متربیان در کسب این گونه شایستگی ها) می انجامد.

تربیت غیررسمی: شکلی از فرایند تربیت است که در آن انواع شایستگی های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی، در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طویه در ابعاد گوناگون، بدون ساماندهی مشخص و از طریق تجارب روزمره و اختیاری متربیان (مانند حضور در جمع خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه ها و انجمن ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب می شود.

بدیهی است با توجه به وحدت تربیت رسمی و تربیت غیررسمی در غایت و هدف کلی و نیز لزوم هماهنگی آنها در اهداف تفصیلی - کسب شایستگی های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی - باید این دو نوع تربیت دو بخش مکمل و همسو تلقی شوند که ضمن تعامل سازنده با هم، یکدیگر را در تحقق غایت و اهداف مشترک یاری کنند.

عوامل (اجتماعی) سهیم و مؤثر در تربیت

در تحقق و کامیابی تربیت به مفهوم عملی اجتماعی، افزون بر حضور فعال و تعاملی دو طیف مربیان و متربیان، موفقیت این فرایند گسترده، به منظور زمینه سازی مناسب جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت همه افراد جامعه و شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح، ناگزیر از مشارکت و پشتیبانی عوامل اجتماعی متعددی است؛ همانطور که از مداخله برخی نهاد ها و عوامل اجتماعی و عملکرد مثبت یا منفی آنها متأثر می شود. به سخن دیگر، در این میان، برخی از سازمان ها و نهادهای اجتماعی به طور مستقیم و ارادی و عمدی در جریان تربیت مداخله می کنند و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم بر موفقیت فرایند تربیت تأثیر مثبت یا منفی می گذارند.

در مجموع، می توان بر اساس میزان مداخله و تأثیرگذاری در فرایند تربیت، این عوامل اجتماعی را به دو دسته کلی تقسیم کرد که عبارت اند از عوامل سهیم در تربیت و عوامل مؤثر در تربیت:

عوامل سهیم - انجام فعالیت های تربیتی (یعنی زمینه سازی مناسب برای هدایت افراد به سوی تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش) در فهرست کارکردهای این دسته عوامل اجتماعی صریحاً در نظر گرفته شده است. لذا، آنها عوامل اصلی فرایند تربیت در

اجتماع محسوب می‌شوند. در بین این عوامل، برخی از آنها، تربیت را کارکرد اصلی و رسالت سازمانی خود قرار داده‌اند (مؤسساتی مانند: مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه که غرض اصلی اجتماع از تأسیس و تداوم فعالیت آنها، انجام فعالیت تربیتی در سطوح متفاوت است؛ ولو آنکه پیامدهای فرعی دیگری نیز برعمل آنها مترتب شود)؛ اما بعضی دیگر از عوامل تربیت، نهادهایی اجتماعی با کارکردهای متعدددند (نظیر خانواده، رسانه، مسجد و دیگر نهادهای فرهنگی) که با توجه به امکانات و ظرفیت‌های خود، می‌توانند و بلکه باید، نقش مؤثری را نیز در فرایند تربیت برعهده گیرند.

عوامل مؤثر- مداخل مستقیم در امر تربیت، از زمره کارکردهای این دسته از عوامل اجتماعی به شمار نمی‌آید؛ اما به سبب ایفای نقش اساسی در فراهم نمودن دیگر مقدمات تحقق حیات طیبیه در ابعاد گوناگون برای آحاد اجتماع، یا به دلیل تأثیرپذیری عمل مربیان و متربیان و فرآیند تربیت از این عوامل اجتماعی (به‌نشان محیط بیرونی)، در چگونگی تحقق فرایند تربیت و موفقیت آن اثرگذارند. عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تربیت، طیف وسیعی از نهادها، سازمانها، بنگاه‌ها و گروه‌های رسمی یا غیررسمی فعال در جامعه را در بر می‌گیرند که اهم آنها عبارت‌اند از:

- نهاد سیاست (حکومت و نظام سیاسی)، شامل: رهبری، دولت (قوه مجریه)، قوه مقننه، قوه قضائیه و همه سازمان‌ها و نهادهای تابع آنها (شامل قوای نظامی و انتظامی)؛
- نهاد دین (مراجع مذهبی و حوزه‌های علوم دینی، روحانیون و مبلغان مذهبی، مساجد و دیگر مؤسسات وتشکل‌های دینی و مذهبی)؛
- نهاد فرهنگ شامل نهاد تولید علم، پژوهش و فناوری (دانشگاهها و مؤسسات علمی - پژوهشی، فرهنگستان‌ها و پارک-های علم و فناوری)، نهاد هنر (مراکز هنری، موزه‌ها و فرهنگسراها) و نهاد رسانه، شامل رسانه‌های مکتوب (کتب و نشریات)، رساق دیداری - شنیداری (رادیو و تلویزیون) و رسانه‌های مجازی (فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات)؛
- نهاد خانواده، شامل پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، بستگان؛
- نهادجامع محلی، شامل دوستان، همسایگان و همسالان؛
- نهادهای مدنی (که به شکل غیر دولتی- ولو با نوعی حمایت از سوی دولت- سامان یافته‌اند و اداره می‌شوند)، شامل شوراهای، احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و دیگر سازمان‌ها وتشکل‌های صنفی، علمی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی؛
- نهاد اقتصاد، شامل بخش‌های کشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات؛
- نهاد تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی، شامل شهرداری‌ها ودهداری‌ها، سازمان بهزیستی و نهادهای حامی افراد محروم، مؤسسات بیمه و نهادهای خیریه و عام المنفعه؛
- نهاد سلامت و تندرستی، شامل بخش‌های بهداشت و درمان، ورزش و تفریحات سالم، حفظ محیط زیست و ایمنی.

البته می‌توان و باید طراحی عوامل اجتماعی مؤثر در تربیت را نیز به گونه‌ای سامان داد که فعالیتشان با تلاش عوامل سهیم همسو شود و حتی به‌طور غیر مستقیم از آثار تربیتی برخوردار گردد و به این طریق عوامل سهیم در فرایند تربیت را یاری کنند. اما نکته مهم درباره همه عوامل اجتماعی مؤثر بر تربیت آن است که سیاستگذاران و کارگزاران این مؤسسات و نهادهای اجتماعی، هم با ارائه دلایل موجه و عقلانی نسبت به نقش و جایگاه ویژه فرایند تربیت در عرصه اجتماع و کلیدی بودن آن به منزلت مهم‌ترین زمینه تحقق حیات طیبیه، قانع شوند و هم به این باور برسند که هر گونه موفقیت نهادهای اجتماعی در کارکردهای خاص خود، مستلزم توفیق فرایند تربیت‌اند. در این صورت، عوامل مؤثر بر تربیت، با مشارکت و تعامل سازنده با یکدیگر و دادن سمت و سوی تربیتی به فعالیت‌های خود، به پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از عوامل سهیم در تربیت خواهند آمد و با تلاش جهت رفع موانع و محدودیت‌های موجود در مسیر توفیق فرایند تربیت، به‌طور غیر مستقیم باعث موفقیت خود و سایر نهادهای اجتماعی برای تمهید دیگر مقدمات تحقق حیات طیبیه خواهند شد. به این ترتیب، مصالح تربیتی به‌طور طبیعی (بدون نیاز به صدور بخشنامه و نظارت قانونی) در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، به منزلت مهم‌ترین ملاک مورد نظر قرار خواهند گرفت و کمک به فرایند تربیت، یکی از

مهمترین معیارها برای تعیین اولویتهای فعالیت همه عوامل اجتماعی مؤثر بر تربیت محسوب خواهد شد.

ارکان فرایند تربیت

نقش و جایگاه برخی از عوامل اجتماعی سهیم و مؤثر در روند تحقق شایسته این فرایند چنان مهم و برجسته است که باید آنها را جزء ارکان (=عوامل اصلی) تربیت به‌شمار آورد و مسئولیت اصلی تحقق فرایند تربیت را به شکل شایسته، از آنها مطالبه کرد، لذا مقصود از رکن تربیت، هر عامل اجتماعی سهیم و مؤثر در فرایند تربیت است که تحقق شایسته این فرایند، تنها با پشتیبانی و مشارکت فعال آن عامل امکان‌پذیر باشد.

با توجه به نقش و جایگاهی که عوامل مختلف اجتماعی باید در تمهید مقدمات لازم برای تحقق حیات طیبه - براساس تصویر مطلوب جامع اسلامی - بر عهده داشته باشند و نیز با عنایت به گستردگی و اهمیت فرایند تربیت که مستلزم مشارکت و پشتیبانی قابل توجهی از سوی عوامل مختلف سهیم و مؤثر بر این فرایند است، می‌توانیم به‌طور کلی از این میان، چهار عامل اساسی و بسیار مهم را ارکان تربیت در جامع اسلامی معاصر تلقی کنیم:

۱- خانواده

۲- حکومت

۳- رسانه

۴- نهادها و سازمانهای غیردولتی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل و مدون که تبیین چیرستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی را مبتنی بر فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران بر عهده می‌گیرد تا هدایت، جهت‌دهی و اصلاح این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه‌ای صورت پذیرد.

تبیین چیرستی:

► تعریف تربیت رسمی و عمومی:

«بخشی از جریان تربیت که:

۱- به شکل سازمان‌دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده، رسانه و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی- صورت می‌پذیرد.

۲- بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) - همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متربیان (به ویژه هویت جنسیتی) - تاکید دارد.

۳- در پی آن است تا متربیان، مرتبه‌ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی را به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد».

تبیین چرایی:

هدف کلی تربیت رسمی و عمومی:

«تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) متربیان - همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت (به خصوص هویت جنسیتی) ایشان بصورتی یکپارچه- در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و اعتلای مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی که از طریق کسب شایستگی‌های لازم صورت می‌گیرد».

تبیین چگونگی:

اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی

- | | |
|---------------------|------------------------------|
| ❑ همه جانبه نگری | ❑ انطباق با نظام معیار دینی |
| ❑ یکپارچگی و انسجام | ❑ عدالت تربیتی |
| ❑ کرامت | ❑ وحدت ملی و انسجام اجتماعی |
| ❑ پویایی | ❑ تنوع و کثرت |
| ❑ استمرار و پیوستگی | ❑ خرد ورزی |
| ❑ پاسخگویی | ❑ حفظ و ارتقاء آزادی متربیان |
| ❑ تعامل | ❑ سندیت شایستگی محور مربیان |
| ❑ تقدم مصالح تربیتی | ❑ مشارکت |

مدرس صالح؛ بستر لازم برای تحقق تربیت رسمی و عمومی مطلوب

بنا بر فلسفه تربیت در جامع اسلامی، مدرسه محیط اجتماعی سازمان یافته ای (مشمول بر مجموعه ای از افراد و روابط و ساختارهای منظم) است برای کسب مجموعه ای از شایستگی‌های لازم (فردی، خانوادگی، اجتماعی) که متربیان برای وصول به مرتبه‌ای از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی باید آن‌ها را به دست آورند. به طور کلی برخورداری از حیات طیبه در بعد جمعی و تحقق جامع صالح نیازمند مدرسه صالح است. یعنی در کنار خانواده صالح، بقا و توسعه جامع صالح به وجود مدرسه صالح نیز وابسته است. لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامی - یعنی آماده شدن متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف - الزام است فضاهای تربیتی و به خصوص، مدرسه و زندگی مدرسه‌ای، که در واقع زمیعه اجتماعی سامان یافته ای برای تحقق حیات طیبه است، از ویژگی‌های جمعی حیات طیبه برخوردار باشد تا به مثابه کانون تجلی بخش حیات طیبه، امکان تجربه این نوع زندگانی را برای همه متربیان فراهم آورد.

ویژگی های مدرسه صالح

- ساده سازی تجارب و اشکال واقعی حیات طیبه
- پالایش حتی الامکان از عناصر و عوامل مخل رشد متربیان و توجه به امنیت خاطر متربیان و اولیای آنان
- متناسب سازی با شرایط رشدی متربیان در همه ابعاد
- تعادل (توجه متوازن به جنبه‌های مختلف حیات انسانی)
- انعطاف پذیری و توجه به شرایط ویژه فردی و اجتماعی متربیان
- حاکمیت عدالت و احسان
- همکاری و تعاون در دو بعد درونی و بیرونی
- برقراری نسبت وثیق بین مدرسه و خانواده

الگوی نظری ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

الف) حدود و قلمرو

ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است. قلمرو این ساحت (پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی) موارد زیر را پوشش می دهد:

تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی (تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی)، بهداشت زیست محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری (احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست بوم شهری، آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت ها و گرایش ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری) و منابع طبیعی (شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای آن). در واقع همه این موارد به جنبه هایی مهم و مغفول از حیات طیبه در وجه کامل آن اشاره دارد.

(ب) رویکرد

مهم ترین جهت گیری ساحت تربیت زیستی و بدنی عبارت است از: تعامل مستمر روح و بدن، با این توضیح که در این جهت گیری رابطه روح و بدن رابطه ای بنیادین، عمیق و در اصل هستی است (نظریه جسمانی حدوث و روحانیه البقا)، به این معنا که ماده جسمانی بر پایه حرکت اشتدادی وجود، در ذات و جوهر خود کامل می شود. در چنین فضای فکری، مفهوم سلامت در این ساحت معنای گسترده تری می یابد و ابعاد روانی را نیز شامل می شود. از این رو می توان گفت که رویکرد این ساحت از تربیت نیز نگاهی کل نگر و تلفیقی است.

(ج) اصول

- ❑ توجه هماهنگ و مستمر به تربیت زیستی و بدنی متریبان
- ❑ توجه به کسب شایستگی های پایه (توانمندی های ضروری). توسط متریبان جهت ارزیابی خطرها، لحاظ کردن نتایج بالقوه آنها و درک و فهم موقعیت خود در زمینه زیستی و بدنی و عمل برای بهبود آن
- ❑ امروزه بحث رفتارهای پرخطر در جوامع جهانی به شدت مطرح است؛ لذا از تربیت رسمی و عمومی این انتظار می رود که متریبان را در مواجهه با فرصت های خطرناک زندگی آنان مراقبت کنند و با ارزیابی آگاهی و خویش داشتن داری با آنها مواجه شوند. این موضوع در اخلاق اسلامی مورد تأکید است و ارزش تقوا مورد توجه جدی جامعه صالح است.
- ❑ توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمانی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متریبان در تربیت زیستی و بدنی آنها
- ❑ توجه به کسب شایستگی ایجاد رابطه سالم با محیط، یعنی احترام به محیط زیست به مثابه آیه ای از آیات الهی (نگاه آیه ای) و در عین حال، بهره مندی معقول و اخلاقی از ظرفیت های آن (نگاه وسیله ای) برای اعتلای سطح کیفی حیات بشری؛
- ❑ توجه به ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت پذیری نسبت به آفریده های خداوند، اعم از انسان ها و طبیعت در متریبان؛
- ❑ توجه به تربیت جنسی با توجه به تفاوت های جنسی متریبان؛
- ❑ توجه به مشارکت و تعامل همه نهادها و عوامل سهیم و مؤثر در زمینه سلامت و تربیت بدنی متریبان
- ❑ توجه به ایجاد زمینه مناسب کسب شایستگی های پایه، مرتبط با ابعاد زیستی زندگی خانوادگی برای متریبان؛
- ❑ امروزه مهارت های زندگی بخشی از موضوعات مورد توجه نظام های تربیت رسمی و عمومی است. این موضوع را می توان در همه ساحت های تربیت مورد نظر قرار داد. در اینجا بر مهارت های ناظر بر بُعد سلامت جسمانی و مراقبت از آن تأکید می شود؛
- ❑ توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم در سطح تربیت همگانی بدنی و در عین حال توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم، بویژه تربیت بدنی، در سطوح قهرمانی؛
- ❑ توجه به ظرفیت های تربیت غیررسمی برای زمینه سازی کسب شایستگی های پایه و ویژه در حوزه سلامت و تربیت بدنی.

چرخش‌های تحول آفرین

همانگونه که در ضرورت فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی مطرح شد استقرار نظام تربیتی مبتنی بر اقتضائات جامعه اسلامی- ایرانی مستلزم آن است که تغییرات بنیادین در تمامی ابعاد و مولفه های نظام موجود آموزش و پرورش صورت پذیرد. بدیهی است اصلاحات و تغییرات ایجاد شده در ساختار و فرآیندهای این نظام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود آنکه در زمان خود حرکت سازنده‌ای به‌شمار می‌آمد اما به دلایل مختلف از جمله مشکلات اجرایی پس از پیروزی انقلاب و فقدان فلسفه مدون برای نظام تربیتی با ویژگی های اسلامی- ایرانی نتوانسته است منجر به تحقق آرمان‌های فرهنگی تربیتی انقلاب اسلامی شود. بر این اساس مقتضی است که نظام تربیت رسمی و عمومی در یک بازه زمانی معقول حرکت‌های تحولی نظام‌مندی را در راستای تغییر بنیادین آغاز نماید.

تحولات بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی شامل تغییرات هماهنگ و منظمی است که بر اساس یافته های مطالعات نظری باید تمامی عناصر، مولفه ها و فرآیندها و روابط درون و بیرون نظام تربیت رسمی و عمومی و عملکرد ارکان و عوامل سهیم و موثر را در بر گیرد. این سلسله تغییرات منظم که از آنها در اینجا تحت عنوان "چرخش ها از وضع موجود به سمت وضع مطلوب" نام برده می شود، از سویی مبتنی بر یافته های مطالعات نظری است و از دیگر سو با توجه به نتایج پژوهش های توصیفی- تحلیلی انجام شده در سند ملی آموزش و پرورش در کمیته مطالعات محیطی و مولفه‌های نظام آموزش و پرورش طراحی و تدوین شده است.

بر این اساس مهم ترین چرخش‌ها از وضع موجود به وضع مطلوب، تبدیل نهاد فعلی با کارکرد صرفاً آموزشی به نهادی است که وظیفه و رسالت اصلی آن "بستر سازی برای دستیابی نسل آینده به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در تمام ابعاد" می باشد، اهم این چرخش ها عبارتند از:

- ❑ از نهادی آموزشی به نهادی فرهنگی - اجتماعی و مولد سرمایه انسانی
 - ❑ از کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت، به خویش بنی(تقوا)، ارزش مداری عقلانی و مسئولیت پذیری
 - ❑ از انحصاری انگاری در تربیت، به مشارکت و مسئولیت پذیری ارکان و عوامل سهیم و موثر
 - ❑ از یکسان نگر و تولید انبوه، به پذیرش تنوع و تکثر در چارچوب نظام معیار اسلامی
 - ❑ از نگاه تجزیه ای و تفکیکی به نگاه یکپارچه نگر و تلفیقی به هویت انسان در تمام ابعاد و ساحت های تربیت
 - ❑ از دانش آموز منفعل در کلاس درس به متری فعال در محیط‌های تربیتی
 - ❑ از روش‌های خشک، فردی و انعطاف ناپذیر به روش‌های خلاق، فعال و گروهی
 - ❑ از رقابت های فردی و تنش زا به رفاقت‌های جمعی و تعالی بخش
 - ❑ از انباشت اطلاعات و حافظه محوری، به کسب شایستگی ها در تمام ساحت های تربیت
 - ❑ از سازگاری با شرایط محیطی، به هویت یابی و مقاومت در برابر شرایط نامساعد و تغییر آنها
- از آنجا که زیرنظام‌های تربیت رسمی و عمومی مسیر اجرایی و عملی تحقق چرخش‌ها را نشان می‌دهد برخی از این چرخش‌های اساسی در هر یک از زیر نظام‌ها عبارتند از:

زیر نظام راهبری تربیتی و مدیریت

- ❑ از مدیریت اداری و کنترلی به راهبری تربیتی مبتنی بر نظام معیار اسلامی
- ❑ از تمرکزگرایی به مشارکت‌جویی و مسئولیت پذیری مبتنی بر خرد جمعی
- ❑ از برنامه ریزی‌های موردی و پراکنده به برنامه ریزی‌های راهبردی و آینده نگر
- ❑ از حاکمیت نگاه جزیره ای در حوزه های اجرایی به تاکید بر فرایندها و پیامدها بر اساس نظام معیار اسلامی
- ❑ از انتصاب سلیقه‌ای مدیران بر اساس ضوابط اداری به شایسته سالاری در مدیریت

زیر نظام برنامه درسی

- ❑ از برنامه درسی موضوع محور به برنامه درسی مبتنی بر ساحت های تربیت برای کسب شایستگی ها
- ❑ از برنامه ریزی درسی کاملاً متمرکز به برنامه ریزی درسی متکی بر مشارکت موثر ارکان و عوامل سهیم در تربیت در تمام سطوح
- ❑ از برنامه درسی تک وجهی به برنامه درسی چندوجهی (ساختار مثلثی)
- ❑ از برنامه درسی نتیجه محور به برنامه درسی پیامد محور (تحقق شایستگی ها در سطح محصول و سطح برونداد نظام و پیامد آن در سطح جامعه)
- ❑ از یادگیری موضوعات به فرآیند دستیابی به اندیشه ورزی و درک معنا
- ❑ از جداسازی برنامه های آموزشی و پرورشی به برنامه درسی یکپارچه

زیرنظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

- ❑ از معلم به عنوان انتقال دهنده دانش به معلم به عنوان مربی و اسوه تربیتی و سازمان دهنده فرصت های تربیتی متنوع برای احیا و ارتقاء مراتب حیات طیبیه متربیان
- ❑ از معلم به عنوان مجری تصمیمات برنامه درسی به معلم تصمیم ساز در فرآیند برنامه ریزی درسی
- ❑ از برنامه های صلب و بسته در تربیت مربیان به برنامه هایی منعطف برای دستیابی آنان به هویت حرفه ای منحصر بفرد و توسعه آن مبتنی بر نظام معیار اسلامی
- ❑ از ارتقاء خودبخودی سطح حرفه ای مربیان به ارزیابی عملکرد و صدور درجه مربیگری بر اساس میزان کارآمدی و اثربخشی
- ❑ از فرهنگ سازمانی بسته (محصور نمودن مربیان در فضای مدرسه) به مشارکت جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح مختلف (مدرسه، محلی، ملی و بین المللی)
- ❑ از نگاه به معلم به عنوان کارمند اداری به معلم به عنوان شخصیتی علمی و تربیتی

زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی

- ❑ از انحصار در تأمین منابع به مشارکت در تأمین منابع
- ❑ از هزینه کرد منابع به مدیریت و سیاستگذاری بهینه منابع و مصارف از عرضه مدار و نهاده محور به ستانده مدار و نتیجه محور
- ❑ از توزیع یکسان منابع به تنوع منابع و توزیع عادلانه آن
- ❑ از نگاه به نظام تربیت رسمی و عمومی به مثابه دستگاهی مصرفی به دستگاه سرمایه ای و مولد منابع انسانی
- ❑ از تغییر در روش نظارت بر هزینه توسط ذیحسابی به حسابرسی پس از خرج

زیرنظام فضا، تجهیزات و فناوری

- ❑ از تأمین کلاس درس به ساماندهی موقعیت های یادگیری
- ❑ از انحصار یادگیری در کلاس درس به تنوع بخشی به محیط های تربیتی و یادگیری
- ❑ از نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدارس به نگاه فرآیندی به تربیت و ساخت مجتمع های تربیتی
- ❑ از معماری بی هویت و وارداتی به معماری اسلامی ایرانی
- ❑ از مدارس بی هویت و فاقد امکانات و فناوری ها به مدارس با هویت مدرسه صالح و کانون تربیتی محله
- ❑ از طراحی مدارس توسط مهندسين فنی به طراحی تیمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه صالح
- ❑ از نگاه ابزاری به فناوری ها به استفاده هوشمندانه از فناوری های نوین متناسب با نظام معیار اسلامی

زیر نظام پژوهش و ارزشیابی

- ❑ از نگاه جزیی نگر به نگاه آینده نگر و کل نگرانه برای مواجهه سازنده با چالش های نظام

- ❑ از تمرکز بر روش‌های کمی در پژوهش به تنوع و کثرت در روش‌های پژوهش
- ❑ از پژوهش‌های توصیفی، موردی و پراکنده به پژوهش‌های نظام‌مند، نوآورانه و تحول‌آفرین در راستای عملیاتی نمودن اهداف و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی
- ❑ از پراکندگی و جدایی مراکز پژوهشی به وحدت و یکپارچگی عملکرد مراکز پژوهشی سهیم و موثر در امر تربیت
- ❑ از تخصیص فرصت‌های پژوهشی به مراکز رسمی و پژوهشگران حرفه‌ای در سطوح کلان به ایجاد فرصت‌های پژوهشی و جاری و ساری شدن پژوهش در تمامی سطوح
- ❑ از تصدی‌گری در امر پژوهش به مدیریت، نظارت و بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها
- ❑ از رویکرد آکادمیک و نظری در پژوهش‌های تربیتی و پژوهش برای پژوهش به جهت‌گیری عمل‌مدار، تشخیصی و درمانی، تصمیم‌ساز و کاربردی